

# بررسی پیکره‌بنیاد شیوه نام‌دهی خلیج فارس در مطبوعات و رسانه‌های آمریکایی به شیوه تحلیل گفتمان انتقادی

رضا خیرآبادی\*

استادیار زبان‌شناسی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران، ایران

پذیرش: ۹۲/۸/۸

دریافت: ۹۱/۸/۲۶

## چکیده

خلیج فارس به‌عنوان یک شاهراه جغرافیایی بین‌المللی که به *هارتلند جهان* نیز شهرت یافته و سومین خلیج بزرگ دنیا به‌شمار می‌آید، از چندین منظر حائز اهمیت است. از چند دهه قبل بر سر نام این منطقه منازعات و بحث‌های مختلفی درگرفته است و اخیراً نیز برخی کشورهای حوزه خلیج فارس و گاه بعضی خبرگزاری‌ها، مطبوعات، مؤسسات و نهادهای اروپایی و آمریکایی می‌کوشند اصطلاح مجعول «خلیج عربی» را جایگزین نام «خلیج فارس» کنند. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که بسامد و شیوه توزیع کاربرد واژه خلیج عربی و سایر اصطلاحات مجعولی که توسط رسانه‌ها و مطبوعات آمریکایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، چگونه است و چه رابطه‌ای بین کاربرد این اصطلاحات نوپدید با بازه زمانی انتشار مطلب/ خبر و گونه/ ژانر آن وجود دارد؟

روش انجام پژوهش به شیوه پیکره‌بنیاد<sup>۱</sup> و مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۲</sup> است. برای این منظور، عنوان Persian Gulf و سه اصطلاح Arabic / Arabian / Arab Gulf را در دو پیکره انگلیسی، آمریکایی معاصر<sup>۳</sup> (COCA) با بیش از چهارصد و پنجاه میلیون واژه از متن‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای معاصر (بین سال‌های ۱۹۹۰ - ۲۰۱۲) و پیکره مجله آمریکایی تایم با بیش از یکصد میلیون واژه (از سال ۱۹۲۳ - ۲۰۰۸) را مورد بررسی قرار دادیم و نتایج را به شیوه تحلیل گفتمان انتقادی تحلیل کردیم.

پژوهش حاضر نشان داد که بسامد کاربرد عنوان Persian Gulf در هر دو پیکره مورد استناد با بسامد هیچ‌یک از سه اصطلاح مجعول (و حتی مجموع بسامد آن‌ها) قابل مقایسه نیست. از سوی دیگر، درحالی‌که عنوان خلیج فارس به صورت بی‌نشان در کل بازه زمانی و گونه‌های خبری، کاربردی وسیع و غالب داشته



است، سایر اصطلاحات، بیشتر در دهه ۱۹۸۰ م. و ۱۹۹۰ م. آن هم اغلب در متن‌های اقتصادی مرتبط با موضوع نفت، گزینش شده‌اند.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل پیکره‌ای، خلیج فارس، راهبردهای نام‌دهی، متون رسانه‌ای.

## ۱. مقدمه و طرح مسئله

آن‌گونه که در تحلیل گفتمان انتقادی مطرح است، هیچ متنی را نمی‌توان عاری از ایدئولوژی دانست و شیوه بیان مفاهیم و سازماندهی هر متن به نوعی بازتاب‌دهنده نوع نگرش و جهان‌بینی نویسنده آن (و درباره متون مطبوعاتی، خط مشی و سیاست‌گذاری‌های کلان گردانندگان پیدا و پنهان نشریه) است (نک. آقا گل‌زاده، ۱۳۸۵).

اسامی خاص، از جمله نام افراد و مکان‌ها که به مصداقی مشخص و ثابت در جهان واقع اشاره دارند نیز در بیشتر موارد به‌خوبی منعکس‌کننده پیش‌فرض‌ها و تعصبات رسانه‌ای هستند. امروزه سوگیری مطبوعات و رسانه‌های بین‌المللی در شیوه خطاب مفاهیمی از قبیل «نیروهای شهادت‌طلب/ تروریست‌های انتحاری» و مواردی از این دست، در مطالعات گفتمان‌کاوانه رسانه‌ای، به‌ویژه در حوزه زبان خبر بسیار مورد توجه قرار می‌گیرد. خلیج فارس پس از خلیج مکزیک<sup>۱</sup> و خلیج هودسن<sup>۲</sup> (واقع در کانادا)، سومین خلیج بزرگ جهان و منطقه‌ای بسیار مهم از نظر جغرافیایی - سیاسی محسوب می‌شود.

از چند دهه قبل شاهد تلاش برخی کشورهای عربی، به‌ویژه کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به منظور تغییر تدریجی نام این موقعیت مهم جغرافیایی و تبدیل آن به «خلیج عربی» هستیم. این تلاش‌ها در رسانه‌ها و مطبوعات بین‌المللی هم نمودهایی یافته است.

در پژوهش حاضر ضمن بررسی پیشینه این تلاش‌ها به پرسش‌های زیر پاسخ می‌گوییم:  
۱. بسامد و شیوه توزیع کاربرد واژه «خلیج عربی» و سایر اصطلاحات مجعولی که در چند دهه اخیر توسط رسانه‌ها و مطبوعات آمریکایی برای ارجاع به این آبراهه مهم بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد چگونه است؟

۲. چه رابطه‌ای بین کاربرد این اصطلاحات نوپدید با بازه زمانی انتشار مطلب/ خبر و گونه آن وجود دارد؟

## ۲. پیشینه تحقیق

مدارک و مستندات بسیار زیاد و غیر قابل انکاری از تاریخ ایران باستان و ایران پس از اسلام در دسترس است که اثبات‌کننده تاریخچه نام خلیج فارس است و کمتر محقق بی‌غرضی است که با مراجعه به این حجم از مستندات در نام تاریخی این خلیج تردید کند. در ۲۳ تیرماه ۱۳۳۷ ش. (۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ م.) ژنرال عبدالکریم قاسم در کشور عراق کودتا کرد و ملک فیصل، پادشاه و ولیعهد و نخست‌وزیر عراق و عده‌ای دیگر را کشت و پس از چندی در اختلاف سیاسی با ایران نام خلیج فارس را به خلیج عربی تغییر داد. در فروردین ۱۳۳۹ ش. حملات تبلیغاتی دو کشور قطع و قرار شد بین این کشورها سفیر مبادله شود و عبدالکریم قاسم هم موضوع خلیج عربی را مسکوت گذاشت.

اما جمال عبدالناصر مصری در پی اختلاف با شاه ایران در ارتباط با اسرائیل و اتهام دخالت شاه علیه ملی‌کردن کانال سوئز و همدستی با استعمارگران، در سوم مرداد ۱۳۳۹ ش. با ایران قطع رابطه کرد و سفیر ایران و اعضای سفارت را از قاهره، اخراج و به دستور او اتحادیه عرب در ۲۳ مرداد همان سال، برابر ۱۴ اوت ۱۹۶۰ م. اعلام کرد: «از این پس خلیج عربی به جای خلیج فارس به کار برده خواهد شد» (نک. محمودیان، ۱۳۸۴).

اما تا اواسط دهه ۱۹۷۰ م. استفاده از این عنوان رواج چندانی نداشت و در سال‌های پایانی دهه هفتاد با ضعیف شدن حکومت ایران و بالا گرفتن اختلافات این کشور به تدریج استفاده از این عنوان در مطبوعات و کتاب‌های عربی و سپس بین‌المللی رواج پیدا کرد. در برخی منابع، از جمله عجم (۱۳۸۸) کاربرد این عنوان را به‌طور مستقیم، به استعمارگران انگلیسی نسبت داده و نوشته‌اند که اصطلاح خلیج عربی برای نخستین‌بار در دوره تحت قیمومیت شیخ‌نشین‌های خلیج فارس توسط کارگزاران انگلیسی و به‌طور ویژه، از طرف یکی از نمایندگان سیاسی انگلیس مقیم در خلیج فارس به نام رودریک اوون<sup>۱</sup> در کتابی به نام *حباب‌های طلایی در خلیج عربی*<sup>۲</sup> که در سال ۱۹۵۸ م. نوشت، مورد استفاده قرار گرفت.

شیخ‌نوری (۱۳۸۵) نیز آغاز کاربرد واژه مجعول خلیج عربی را به فردی انگلیسی به نام سر چارلز بلگریو<sup>۳</sup> منتسب می‌کند و می‌نویسد:

در میان به اصطلاح محققان و پژوهشگران گذشته خلیج فارس، انگلیسی‌زبانان به‌لحاظ موقعیت ویژه‌ای که در منطقه مزبور داشته‌اند، بیشتر از دیگران به این‌گونه مسایل دامن



زده‌اند. برای نمونه سر چارلز بلگریو که از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۵۷م. به مدت سی و یک سال کارگزار انگلستان در خلیج فارس بود، کتابی نوشت که به سال ۱۹۶۶م. چاپ و منتشر شد. این نویسنده و سیاستمدار انگلیسی در نوشته‌ها و تحقیقات خود بیش از هر چیز از یادداشت‌های سر فرانسیس ارسکین لاک<sup>۱</sup> الهام گرفته است که او نیز یکی دیگر از کارگزاران و پیروان مکتب شناخته‌شده بیگانگان در خلیج فارس بود. بلگریو که با ایرانیان چندان میانه خوبی نداشت، کتابش را این‌گونه آغاز کرده است:

... خلیج فارس که تازیان آن را خلیج عربی گویند... درواقع، بلگریو نخستین کارگزاری است که خلیج عربی را به جای خلیج فارس ابداع کرد و در نوشته‌هایش آن را به کار برد و به تازیان آموخت. درواقع، خلیج عربی از اندیشه و قلم یک کارگزار کهنه‌کار انگلیسی زاییده شد و به کشورهای عربی تقدیم شد (شیخ‌نوری، ۱۳۸۵: ۴۳).

رویه عمومی سازمان ملل متحد، به‌کارگیری نام خلیج فارس در مکاتبات و اسناد مربوط به این سازمان است. اما هرگاه سازمان ملل متحد از این رویه عمومی عدول کرده و از نامی مجعول و ناقص به جای خلیج فارس بهره گرفته، با تذکرات و اعتراضات ایران روبه‌رو شده است.

### ۳. روش جمع‌آوری داده‌ها و انجام پژوهش

پژوهش حاضر را به شیوه توصیفی-تحلیلی به انجام رسانده، در جمع‌آوری داده‌ها نیز از بررسی پیکره‌بنیاد استفاده کرده‌ایم؛ چنانکه عبارت *خلیج فارس* و اصطلاحات مربوط به *خلیج عربی* را در دو پیکره *انگلیسی*، *آمریکایی معاصر* و پیکره *مجله آمریکایی تایم* مورد مطالعه و تحلیل قرار داده‌ایم. هدف از استفاده پیکره‌های مطرح، دسترسی به داده‌های پژوهش بوده و سپس این داده‌ها را در چارچوب رویکرد «تحلیل گفتمان انتقادی» بررسی کرده‌ایم تا اهداف و اغراض پنهان در ورای این شیوه نام‌گزینی را تحلیل کنیم. درمجموع، چهار اصطلاح Persian / Arab / Arabian / Arabic Gulf / کلیدواژه‌های این جست‌وجو را تشکیل می‌دهند. پیکره‌های مورد استناد در این پژوهش از نظر کمی و کیفی، در سطحی قابل ارجاع و اطمینان هستند. پیکره COCA، بزرگترین پیکره متوازن انگلیسی، آمریکایی است که حدود چهارصد و پنجاه میلیون واژه از منابع رسانه‌ای اعم از روزنامه‌ها، مجلات، اخبار خبرگزاری‌ها، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و مطالب پایگاه‌های اینترنتی از سال ۱۹۹۰ - ۲۰۱۲م. را شامل می‌شود.

این پیکره که توسط مارک دیویس<sup>۱۰</sup> در دانشگاه بریگام یانگ<sup>۱۱</sup> گردآوری و مدیریت می‌شود، به صورت ماهانه توسط هزاران پژوهشگر، اعم از زبان‌شناس، مدرس و مترجم زبان انگلیسی با لهجه آمریکایی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. چهارصد و پنجاه میلیون واژه تشکیل‌دهنده این پیکره به طرز مساوی از گونه‌های گفتاری، داستانی<sup>۱۲</sup>، مجلات عامه‌پسند، روزنامه‌ها و متون علمی گزینش شده‌اند و در فاصله زمانی ۱۹۹۰ - ۲۰۱۲م. از هر سال بیست میلیون واژه انتخاب شده است. داده‌های پژوهش حاضر از آخرین به‌روزرسانی این پیکره که در تابستان سال ۲۰۱۲م. به انجام رسیده است، انتخاب شده است. پیکره مجله تایم آمریکا نیز شامل یکصد میلیون واژه از سال ۱۹۲۳ - ۲۰۰۸م. است. این پیکره، کل آرشیو مجله تایم اعم از اخبار، مقالات، سرمقالات و گزارش‌های کوتاه و بلند خبرنگاران مجله را در بازه زمانی ذکرشده در بر دارد و بررسی کلیدواژه‌های پژوهش در این پیکره می‌تواند به روایی در زمانی نتایج تحقیق منجر شود.

مجله تایم در فضای رسانه‌ای ایالات متحده از اعتبار و اهمیت شایان توجهی برخوردار است و یکی از معتبرترین نشریات آمریکایی است که در حوزه سیاست بین‌المللی به فعالیت مشغول است. نشریه ذکرشده به همراه هفته‌نامه نیوزویک، از مهم‌ترین مجله‌هایی است که توسط کمپانی واشنگتن‌پست منتشر می‌شوند. این دو نشریه از جمله مجلاتی هستند که چامسکی و هرمن (۱۹۸۸) در کتاب معروف خود، به نام تولید رضایت: اقتصاد سیاسی رسانه‌های جمعی<sup>۱۳</sup>، از آن‌ها یاد می‌کنند تا وابستگی رسانه‌های آمریکا به کارتل‌ها و شرکت‌های بزرگ اقتصادی و تجاری را به اثبات برسانند.

در مجموع، پیکره مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل بیش از پانصد میلیون واژه از متون مختلف رسانه‌های مختلف ایالات متحده آمریکا در بازه زمانی دهه ۱۹۲۰ - ۲۰۱۲م. است که به نظر می‌رسد داده‌های پژوهش به لحاظ کمیت، تنوع و گونه رسانه‌ها و اخبار، مورد بررسی قرار گرفته و کیفیت پیکره‌های مورد استناد از روایی و پایایی مناسبی برخوردار باشند.

به منظور پاسخ دادن به پرسش‌های پژوهش، پس از بررسی کمی بسامد کاربرد کلیدواژه‌های مورد جست‌وجو در پیکره و بررسی تطبیقی آن‌ها از نظر بازه زمانی انتشار، به شیوه تحلیل گفتمان انتقادی، گونه اخبار و مطالب مربوط به هر اصطلاح را بررسی نموده و کوشیدیم رابطه بین کاربرد این اصطلاحات و بافت زمانی و رسانه‌ای مربوط را تحلیل کنیم.



پس از استخراج داده‌ها، به شیوه تحلیل گفتمان انتقادی موارد کاربرد هر یک از این اصطلاحات را در بافت مورد نظر بررسی کردیم.

تحلیل گفتمان انتقادی به‌عنوان رویکردی جدید در زبان‌شناسی متن و زبان‌شناسی انتقادی، ابزارهای لازم را برای نمایاندن ایدئولوژی و اهداف و اغراض نهان صاحبان رسانه و قدرت در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد. در تحلیل گفتمان انتقادی، زبان به مثابه عملی اجتماعی است که با ایدئولوژی گره خورده است و گفتمان‌ها به وسیله قدرت و ایدئولوژی‌ها شکل می‌گیرند. ایدئولوژی، گفتمان و گفتمان، اجتماع را می‌سازد و اجتماع نیز دارای سه بعد است که عبارت‌اند از «دانش»، «روابط اجتماعی» و «هویت اجتماعی». بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیلی ایدئولوژیکی است (Vide. Fairclough, 2001).

برخی از ساختارها از آنجا که انعکاس‌دهنده ایدئولوژی خاصی می‌باشند، گفتمان‌مدار هستند. یکی از این ساختارهای گفتمان‌مدار، فرایند نام‌دهی است. در این فرایند، نام‌هایی که توسط نویسندگان برای افراد و اشیا برگزیده می‌شوند، دارای بار ایدئولوژیک بوده و براساس منظوره‌های خاصی گزینش می‌شوند. به‌عنوان مثال هنگامی که نویسنده از شیوه نام‌دهی غیر مستقیم استفاده می‌کند، قصد دارد پوشیده‌تر صحبت کند:

- آقای خاتمی با آقای پوتین وارد مذاکره شد (نام‌دهی مستقیم).

- تهران با مسکو وارد مذاکره شد (نام‌دهی غیر مستقیم) (نک. یارمحمدی، ۱۳۸۵).

در تحلیل داده‌ها، از آنجا که پیکره COCA از حیطة وسیعی از منابع نوشتاری و گفتاری استفاده می‌کند، ما تنها به بیان بسامد کاربرد واژه‌ها در گونه مربوط به آن اکتفا کردیم، زیرا تحلیل یکسان متون نوشتاری و گفتاری آن هم در گونه‌های مختلف (آکادمیک، روزنامه‌ای، گفتاری، مجله‌ای و داستانی) فاقد انسجام روش‌شناختی و قدرت تعمیم خواهد بود؛ اما از آنجا که پیکره مربوط به مجله تایم کاملاً نوشتاری و مربوط به یک منبع واحد است، تحلیل گفتمان داده‌های جمع‌آوری‌شده را بر مبنای آن استوار می‌کنیم.

#### ۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

جست‌وجوی واژه Persian Gulf در پیکره انگلیسی، آمریکایی معاصر (COCA) ۵۰۰۳ مورد نتیجه دربرداشت که ۱۸۱۰ مورد آن در بافت گفتاری، ۱۵۲۴ مورد در بافت روزنامه‌ای، ۸۵۵

مورد در بافت آکادمیک، ۷۵۶ مورد در بافت مجلات آمریکایی و در نهایت، ۵۸ مورد در متون داستانی به کار گرفته شده بودند. جدول شماره یک نشان‌دهنده توزیع واژه خلیج فارس در پیکره COCA برحسب گونه می‌باشد:

جدول ۱ بسامد کاربرد اصطلاح Persian Gulf در پیکره COCA

واژه	گفتاری	روزنامه‌ای	آکادمیک	مجلات	داستانی	جمع کل
Persian Gulf	۱۸۱۰	۱۵۲۴	۵۸۵	۷۵۶	۵۸	۵۰۰۳

بسامد کاربرد اصطلاح نوپدید Arab / Arabian / Arabic Gulf در پیکره مورد بحث بسیار کمتر از اصطلاح خلیج فارس و به شرح زیر است:

جدول ۲ بسامد کاربرد اصطلاحات معادل خلیج فارس در پیکره COCA

اصطلاح	Arab Gulf	Arabian Gulf	Arabic Gulf	جمع کل
تعداد	۷۸	۵۰	۱	۱۲۹

همان‌گونه که مقایسه دو جدول بالا نشان می‌دهد، کاربرد سه معادل انگلیسی خلیج عربی در برابر خلیج فارس بسیار ناچیز و تقریباً قابل اغماض است. نکته قابل تأمل درباره کاربرد این اصطلاحات مجعول، بسامد کاربرد آن‌ها در گونه آکادمیک و دانشگاهی است؛ به‌گونه‌ای که از پنجاه مورد کاربرد اصطلاح Arabian Gulf، حدود نیمی از موارد استفاده (۲۳ مورد) به بافت آکادمیک تعلق داشته است. همین موضوع درباره اصطلاح Arab Gulf هم مشهود است؛ به‌گونه‌ای که ۴۵ مورد از ۷۸ مورد کاربرد این اصطلاح در بافت آکادمیک رخ داده است. جدول شماره سه توزیع بسامد کاربرد اصطلاح خلیج فارس و خلیج عربی را در پیکره مجله تایم نشان می‌دهد:



## جدول ۳ بسامد کاربرد اصطلاحات معادل خلیج فارس در پیکره مجله تایم

تعداد	عنوان
۹۶۹	Persian Gulf
۶	Arab Gulf
۵	Arabian Gulf
۰	Arabic Gulf

همان‌طور که می‌بینیم عنوان Persian Gulf به‌طور گسترده‌ای در نشریه تایم به کار گرفته شده است و از آنجا که داده‌های مربوط به این عنوان بسیار زیاد است، از ذکر موارد مرتبط صرف‌نظر می‌کنیم و فقط به اولین و قدیمی‌ترین سابقه مربوط به عنوان ذکر شده در نشریه تایم اشاره خواهیم کرد.

قدیمی‌ترین مقاله موجود در آرشیو نشریه تایم که در آن از عنوان Persian Gulf استفاده شده است، مربوط به تاریخ ۲۹ / ۹ / ۱۹۲۴ و خبری با عنوان «چای»<sup>۱۴</sup> بدون امضای نویسنده می‌باشد.

در جدول‌های شماره چهار و پنج، تعداد، زمان چاپ و عنوان مقاله‌هایی که در آن‌ها دو عنوان Arab Gulf و Arabian Gulf به کار رفته را ارائه نموده‌ایم:

## جدول ۴ بسامد، زمان انتشار و عنوان مقالات دارای اصطلاح Arabian Gulf

Arabian Gulf		
ردیف	عنوان مقاله	تاریخ انتشار
۱	The Shah and the King	۱۹۶۸/۱۱/۲۹
۲	The Political Power of Mideast oil	۱۹۷۰/۱۰/۱۹
۳	To Mexico with love	۱۹۷۹/۰۲/۱۹
۴	Profiling the Gulf States	۱۹۸۰/۰۹/۲۲



## جدول ۵ بسامد، زمان انتشار و عنوان مقالات دارای اصطلاح Arab Gulf

Arab Gulf		
ردیف	عنوان مقاله	تاریخ انتشار
۱	خبر کوتاه بی‌عنوان در ستون People	۱۹۷۹/۰۳/۰۵
۲	Profiling the Gulf States	۱۹۸۰/۰۹/۲۲
۳	U.S. Muscle- Flexing	۱۹۸۱/۱۱/۲۳
۴	A very Special withdraw	۱۹۸۳/۱۱/۲۸
۵	The Middle East a Radical Returns to the Rank	۱۹۸۷/۱۱/۲۳
۶	The Borgias of Baghdad	۱۹۹۵/۰۸/۲۸

اولین مورد کاربرد عبارت *خلیج فارس* در نشریه تایم به سال ۱۹۲۴م. و مطلبی تحت عنوان «چای» باز می‌گردد. این مطلب به موضوع چای و میزان مصرف و تجارت جهانی این محصول باز می‌گردد که مطلبی کاملاً اقتصادی (غیر سیاسی) است.

در حالی که اولین کاربرد سیاسی عنوان *خلیج عربی* را در سال ۱۹۶۸م. می‌بینیم که این عنوان در مطلب *پادشاه و سلطان* مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما جالب اینجاست که مطلب یادشده با این جمله شروع می‌شود: *خلیج فارس، منطقه‌ای مهم در جهان امروز محسوب می‌شود.*

و سپس دلایل اهمیت این منطقه به لحاظ سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد که محور آن عقب‌نشینی آتی نیروهای انگلیسی از جزیره بحرین در سال ۱۹۷۱م. می‌باشد.

در این مطلب که متنی کاملاً سیاسی است، از تقابل و اختلافات سیاسی محمدرضا پهلوی، پادشاه وقت ایران و شیوخ حوزه *خلیج فارس* سخن گفته می‌شود. در این مطلب البته کماکان عبارت *خلیج فارس* به عنوان نام اصلی به کار گرفته می‌شود اما عنوان «خلیج» به تنهایی نیز به تناوب به کار گرفته می‌شود و تنها مورد کاربرد *خلیج عربی*، به رد کردن توافق‌نامه ۱۹۶۵م. از سوی ایران اشاره دارد که در آن *خلیج فارس* به دو منطقه ایرانی و عربی (عربستانی) تقسیم می‌شود. این طرح در روزنامه‌های عربی با استقبال روبه رو شده و برای اولین بار نقشه‌هایی که در آن‌ها عنوان *خلیج عربی* به کار رفته است، در این روزنامه‌ها منتشر می‌شود.

دیگر موارد استفاده از عنوان *خلیج عربی* به صورت Arabian gulf عبارت‌اند از :



## جدول ۶ عنوان مقاله‌ها و بافت زبانی کاربرد اصطلاح Arab Gulf

ردیف	عنوان مقاله	بافت زبانی
۱	نیروی سیاسی نفت خاورمیانه (۱۹۷۰) (The Political Power of Mideast oil) <sup>۱۵</sup>	مقاله‌ای سیاسی - اقتصادی است با محوریت نفت و ...
۲	به مکزیک با عشق (۱۹۷۹) (To Mexico with love) <sup>۱۶</sup>	مقاله‌ای سیاسی است دربارهٔ مناسبات دولت کارتر و دولت فوزی لو پزپورتیلو، رئیس‌جمهور وقت مکزیک. جالب اینکه در این مقاله هم دقیقاً عبارت خلیج عربی در سطرهای به کار گرفته شده که به موضوع تأمین نفت آمریکا اشاره دارد و می‌نویسد: «اگر آمریکا در نهایت، بتواند نیاز نفتی خود را از بازارهای نزدیک‌تری تأمین کند تا از منطقه بی‌ثبات خلیج عربی و ...»
۳	معرفی کشورهای منطقه «خلیج» (۱۹۸۰) (Profiling the Gulf States)	مقاله‌ای عمومی است که به معرفی کشورهای حوزه خلیج فارس می‌پردازد. رویکرد این مقاله در بخش آغازین آن پیداست: «از شط‌العرب در عراق تا شبه‌جزیره موسی در عمان، باریکه کم‌عمق و زرفامی از آب در زیر آفتاب سوزان می‌درخشد؛ خلیج فارس یا خلیج عربی، بسته به سمتی که یک نفر بر آن بایستد ...» در این مقاله تفاوت خلیج فارس و خلیج عربی به طرف و بخش و به عبارتی، زاویه دید فرد باز می‌گردد. در این مقاله از اصطلاح Arabian / Arab استفاده شده است.
۴	خبری کوتاه در ستون people (۱۹۷۹)	خبری است چند سطر مربوط به دیدار ملکه الیزابت دوم با امیر بحرین، شیخ عیسی بن سلمان الخلیفه، در قالب سفر سه‌هفته‌ای ملکه به کشورهای خلیج عربی
۵	معرفی کشورهای منطقه «خلیج» (۱۹۸۰) (Profiling the Gulf States)	مقاله‌ای عمومی است که به معرفی کشورهای حوزه خلیج فارس می‌پردازد. رویکرد این مقاله در بخش آغازین آن پیداست: «از شط‌العرب در عراق تا شبه‌جزیره موسی در عمان، باریکه کم‌عمق و زرفامی از آب در زیر آفتاب سوزان می‌درخشد؛ خلیج فارس یا خلیج عربی، بسته به سمتی که یک نفر بر آن بایستد ...»

## ادامه جدول ۶

ردیف	عنوان مقاله	بافت زبانی
۶	انعطاف‌پذیری آمریکا (۱۹۸۱) (U.S. Muscle- Flexing) <sup>۱۷</sup>	مقاله‌ای سیاسی است درباره‌ی طرح صلح ملک فهد، پادشاه عربستان، در زمینه‌ی صلح در خاورمیانه و «موضع‌گیری کشورهای منطقه‌ی خلیج عربی». برگزاری مانور ستاره درخشان توسط سه کشور مصر، سودان و سومالی با همکاری آمریکا. البته در همین مطلب نیز در میانه‌ی مقاله کاربرد واژه‌ی خلیج فارس به چشم می‌خورد: «ستاره درخشان، نام رمز مانوری است که بزرگ‌ترین تمرین نظامی انجام‌شده توسط نیروهای واکنش سریع آمریکا محسوب می‌گردد. این نیروها در نهایت، ممکن است به ارتش دویست هزار نفری تبدیل شوند که در صورت نیاز ظرف مدت ۴۸ ساعت آمادگی اعزام به منطقه و دفاع از منطقه‌ی استراتژیک خلیج فارس را داشته باشند».
۷	عقب‌نشینی بسیار ویژه (۱۹۸۳) (A very Special withdraw)	مقاله‌ای درباره‌ی سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در زمینه‌ی صنعت نفت کشورهای عربی حوزه‌ی خلیج عربی که بالغ بر یک تریلیون دلار می‌باشد و بیان نگرانی از بی‌ثباتی حاکم بر این منطقه. البته در پاراگراف اول این مقاله نیز عنوان خلیج فارس استعمال شده و در سرتیتر مطلب هم می‌خوانیم: «کاهش درآمدها باعث شده تا کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس هزینه‌هایشان را محدود کنند». در مقاله ذکر شده، در برابر چندین بار کاربرد اصطلاح خلیج فارس، تنها یک بار از عبارت مجعول خلیج عربی استفاده می‌شود. (عربستان سعودی با جمعیت ۹/۷ میلیون نفر غنی‌ترین و بزرگ‌ترین منابع نفت در بین کشورهای خلیج عربی را در اختیار دارد...)
۸	خاورمیانه، بازگشتی رادیکال به مقامها (۱۹۷۷) (The Middle East a Radical Returns to the Rank) <sup>۱۸</sup>	مقاله‌ای سیاسی است درباره‌ی اتحادیه‌ی عرب و ارتباطات حاکم بر ۲۱ کشور عضو این اتحادیه. در این مقاله نیز ضمن کاربرد چندین باره‌ی عنوان خلیج فارس، تنها یک بار از اصطلاح کشورهای حوزه‌ی خلیج عربی استفاده شده است.



## ادامه جدول ۶

ردیف	عنوان مقاله	بافت زبانی
۹	بورژواهای بغداد (۱۹۹۵) (The Borgias of Baghdad) <sup>۱۹</sup>	مقاله‌ای سیاسی است دربارهٔ سیاست‌های نظامی آمریکا در قبال منطقهٔ خلیج فارس. جالب اینکه در این مقاله نیز عمدتاً از عنوان خلیج فارس استفاده شده و تنها یک بار، آن هم در نام خاص «مرکز مطالعات خلیج عربی دانشگاه اکستر»، این عنوان مجعول به کار رفته است.

بررسی داده‌ها نشان‌دهندهٔ توزیع بسیار محدود اصطلاحات مجعول در برابر توزیع وسیع و بی‌نشان خلیج فارس در تمامی بافت‌های خبری است. کاربرد اصطلاحات معادل با خلیج عربی را بیشتر در بافت‌های اقتصادی مربوط به مسئلهٔ نفت و در بافت خبرهای سیاسی می‌بینیم و از نظر زمانی نیز کاربرد این اصطلاحات بیشتر به دوران‌هایی باز می‌گردد که ایران از نظر سیاسی در موضع ضعف سیاسی قرار داشته است.

## ۵. نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های پژوهش حاضر، نشان‌دهندهٔ این واقعیت است که بسامد کاربرد اصطلاح خلیج فارس به مراتب بیشتر از کاربرد مجموع سه اصطلاح خلیج عربی است. به عبارت دیگر، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که عنوان خلیج فارس صورت خطاب بی‌نشان برای نامیدن این آبراههٔ مهم بین‌المللی است، حال آنکه تقریباً در بیشتر موارد، در کاربرد اصطلاحات مجعول در برابر این نام اصیل، شاهد تلاش نویسندگان برای ارائهٔ اطلاعات تکمیلی هستیم و این مؤید آن است که در ذهن عامهٔ مخاطبان رسانه‌های بین‌المللی، این خلیج بزرگ و استراتژیک جهانی با نام خلیج فارس شناخته می‌شود. همچنین دیدیم که غالب موارد کاربرد اصطلاحات مجعول در برابر نام واقعی خلیج فارس به متون اقتصادی و به‌ویژه، متون مرتبط با موضوع نفت مربوط می‌شود که این نیز می‌تواند نشان‌دهندهٔ تلاش نویسندگان مطالب یا سیاست‌گذاران رسانه‌های غربی، به منظور تأمین نظر دولت‌های عربی حوزهٔ خلیج فارس باشد. بررسی زمان انتشار اخبار و مقالاتی که از عناوین مجعول استفاده می‌کنند نیز نشان

داد که رواج کاربرد معادل‌های خلیج عربی بیشتر مربوط به دوران‌هایی است که اقتدار سیاسی ایران به دلایل تحولاتی مانند رخداد انقلاب و یا آغاز جنگ تحمیلی دست‌خوش نوسان بوده است و از این‌رو، در اواخر دهه ۱۹۷۰م. و اوایل دهه ۱۹۸۰م شاهد اوج کاربرد برابره‌های غیر اصیل برای نام این آبراهه حیاتی بین‌المللی هستیم.

به اختصار و در پاسخ به پرسش‌های پژوهش می‌توان گفت که حجم و بسامد کاربرد نام خلیج فارس در هر دو پیکره مورد بررسی، بسیار چشمگیرتر و بیشتر از تمامی معادل‌های مجعول دیگر است و گونه و زمان انتشار اخبار و مقالاتی که از عناوین موازی با نام خلیج فارس استفاده کرده‌اند نیز از نظم و منطق آشکارتری برخوردار است. به شکلی که بیشتر موارد کاربرد عناوین موازی در پیکره مجله تایم به اخبار مربوط به حوزه اقتصاد (به‌ویژه نفت) آن هم در دوران‌هایی که قدرت سیاسی ایران کاهش یافته بود، باز می‌گردد. از نتایج پژوهش حاضر می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که سیاست‌های نام‌گزینی رسانه‌های بین‌المللی حتی در قبال نام‌های تاریخی و پذیرفته‌شده‌ای مانند خلیج فارس هم تابع منافع سیاسی و اقتصادی دست‌اندرکاران رسانه است و تحلیل گفتمان به‌ویژه، با رویکرد انتقادی می‌تواند پرده از بخشی از این مقاصد و مطامع بردارد و مخاطبان را از این سوگیری‌های رسانه‌ای آگاه سازد. نتایج این تحقیق می‌تواند نقطه آغاز پژوهش‌های تکمیلی دیگر با در نظر گرفتن مؤلفه‌های ژئوپلیتیک، اقتصادی و حتی فرهنگی در سایر رسانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای شود و در این بین تلفیق رویکردهای تحلیل پیکره‌بنیاد با دیدگاه‌های انتقادی تحلیل گفتمان می‌تواند جنبه‌های جدیدی از متون رسانه‌ای را بر پژوهشگران آشکار سازد.

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که بسامد و شیوه توزیع کاربرد واژه خلیج فارس در تقابل با سایر اصطلاحات مجعولی که توسط رسانه‌ها و مطبوعات آمریکایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، چگونه است و چه رابطه‌ای بین کاربرد این اصطلاحات نوپدید با بازه زمانی انتشار مطلب/خبر و گونه آن وجود دارد؟ روش انجام پژوهش به شیوه پیکره‌بنیاد و مبتنی بر تحلیل گفتمان انتقادی می‌باشد. به این منظور، عنوان Persian Gulf و سه اصطلاح Arabic / Arabian / Arab Gulf در دو پیکره انگلیسی، آمریکایی معاصر (COCA) با بیش از چهارصد و پنجاه میلیون واژه از متن‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای معاصر (۱۹۹۰ - ۲۰۱۲ م.) و پیکره مجله آمریکایی تایم با بیش از یکصد میلیون واژه (۱۹۲۳ - ۲۰۰۸ م.) مورد بررسی



قرار گرفت و نتایج به شیوه تحلیل گفتمان انتقادی تحلیل گردید.

پژوهش حاضر نشان داد که بسامد کاربرد عنوان Persian Gulf در هر دو پیکره مورد استناد با بسامد هیچ‌یک از سه اصطلاحات مجعول (و حتی مجموع بسامد آن‌ها) قابل مقایسه نیست؛ به‌گونه‌ای که واژه خلیج فارس در پیکره انگلیسی، آمریکایی معاصر، ۲۰۰۳ و در پیکره مجله تایم ۹۶۹ مورد به کار رفته است؛ حال آنکه مجموع بسامد کاربرد سه اصطلاح دیگر در هر دو پیکره، به‌زحمت به یک صد مورد می‌رسد. از سوی دیگر، درحالی‌که عنوان خلیج فارس به صورت بی‌نشان در کل بازه زمانی و گونه‌های خبری، کاربردی وسیع و غالب داشته است، سایر اصطلاحات، بیشتر در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰م. آن هم اغلب در متن‌های اقتصادی مرتبط با موضوع نفت گزینش شده‌اند.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. corpus- based
2. Critical diScourse Analysis (CDA)
3. contemporary corpus of american English
4. Mexico Bay
5. Hudson Bay
6. Sir Roderick Oven
7. golden bulbs at Arabic Gulf
8. Sir Charles M. Belgrieve
9. Sir Francis Erskine Lach
10. Mark Davies
11. Brigham Young University
12. fiction
13. Manufacturing Consent: The Political Economy of the Mass Media
14. tea

۱۵. برای اطلاعات بیشتر در این‌باره ر.ک.

<http://content.time.com/time/magazine/article/0,9171,944174,00.html>

۱۶. برای اطلاعات بیشتر در این‌باره ر.ک.

<http://content.time.com/time/magazine/article/0,9171,912349,00.html>

۱۷. برای اطلاعات بیشتر در این‌باره ر.ک.

<http://content.time.com/time/world/article/0,8599,2006001,00.html>

۱۸. برای اطلاعات بیشتر در این‌باره ر.ک.

<http://content.time.com/time/magazine/article/0,9171,966047,00.html>

۱۹. برای اطلاعات بیشتر در این باره ر.ک.

<http://content.time.com/time/magazine/article/0,9171,983350,00.html>

## ۷. منابع

- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- شیخ نوری، محمدمیر (۱۳۸۵). «توطئه بلگریو؛ نگاهی به نام خلیج فارس در طول تاریخ». *مجله زمانه*. س ۵. ش ۴۳. (فروردین). صص. ۴۲ - ۴۴.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۲). «نام خلیج فارس در برخی از اسناد تاریخی». *مجله رواق اندیشه*. ش ۲۷. ص ۴۵.
- عجم، محمد (۱۳۸۸). *اسناد نام خلیج فارس، میراثی کهن و جاودان*. تهران: انتشارات اوین.
- محمودیان، علی اکبر (۱۳۸۴). *نام خلیج فارس و تاریخ*. مجموعه مقالات همایش حماسه قشم و هرمز (بندرعباس). تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.
- یارمحمدی، لطف الله (۱۳۸۵). *ارتباطات از منظر گفتمان شناسی انتقادی*. تهران: هرمس.

## Reference:

- Aghagolzade, F. (2006). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Elmi Farhangi Publication [In Persian].
- Ajam, M. (2009). *Document the Name of Persian Gulf, Old and Eternal Legacy*. Tehran: Evin Publications [In Persian].
- Chomsky, N. & E. S. Herman (1988). *Manufacturing consent*. New York: Pantheon Books
- Fairclough, N. (2001). *Language and Power*. London: Longman.
- Mahmoodian, A. A. (2005). *Name of the Persian Gulf and the History*. Proceedings of Qeshm and Hormoz Triumph Conference. Tehran: Nashre Mirase Maktoob Publications [In Persian].



- Sheikh Nouri, M. A. (2006). "Belgrave conspiracy: A historical look at the name of the Persian Gulf ". *Zmaneh Magazine*. Vol. 5, No.43 Pp. 42-44[In Persian].
- Shiroudi, M. (2003). "Name of the Persian Gulfin in some historical documents". *Ravaghe Andisheh Magazine* No. 27 [In Persian].
- Yarmohammadi, L. (2006). *Communication from CDA Perspective*. Tehran: Hermes [In Persian].